

# جزوه ادبیات پایه هشتم

## سرکار خانم شاهسون

### گروه اسمی

#### گروه اسمی

جمله از سه گروه اسمی، قیدی و فعلی تشکیل می شود و از این میان گروه اسمی مهم ترین عنصر تشکیل دهنده ی جمله است؛ چون می تواند جایگاه های نهاد، مفعول، مسند، متمم، بدل، منادا و... را اشغال کند و در واقع تکرار پذیر ترین گروه در جمله است.

گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته ی پسین یا پیشین ساخته می شود.

مثال:

شقایق گلبرگ هایش را به دست باد سپرد.

شقایق / نهاد - گروه اسمی و هسته می باشد.

گلبرگ هایش / مفعول - گروه اسمی - گلبرگ هسته

دست باد / متمم - گروه اسمی - هسته (دست) و (باد) وابسته به هسته می باشد.

سپرد / فعل - گروه فعلی - هسته بن فعل

هر گروه اسمی از یک هسته و وابسته یا وابسته های پیشین و پسین تشکیل می شود؛ وابسته ها به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- وابسته های پیشین: وابسته هایی که قبل از هسته قرار می گیرند.

۲- وابسته های پسین: وابسته هایی که بعد از هسته قرار می گیرند.

## وابسته های پیشین :

### ۱- صفت اشاره :

واژه های " این ، آن ، همین ، همان ، چنین ، چنان " هرگاه همراه اسم و پیش از هسته بیاید ، وابسته پیشین و صفت اشاره است .

مثال ۱:

این مسئله در کتاب ریاضی آمده است . این مسئله ( گروه اسمی - نهاد - این : وابسته ی پیشین ، صفت اشاره ) مسئله : هسته

و اسم می باشد .

مثال ۲ :

من چنین کاری را نمی کنم . چنین کاری ( گروه اسمی - مفعول - چنین : وابسته ی پیشین ، صفت اشاره ) کار : هسته و اسم است .

**نکته ۱: واژه های این - آن - همین - همان - چنین - چنان اگر به تنهایی یا به عنوان وابسته ی پسین ظاهر شوند ، ضمیر اشاره اند و همانند**

**اسم عمل می کنند و ممکن است هسته یا مضاف الیه باشند .**

مثال ۱ : بالاخره یک عینک به چشم خورد و با آن ، عقربه ی کوچک را دیدم .

آن : ضمیر اشاره / متمم - هسته ی گروه

توجه : بعد از کلمه ی " آن " اسمی نیامده است .

مثال ۲: درس را بخوانید و کلمه های جدید آن را استخراج کنید .

آن : ضمیر اشاره / وابسته ی پسین - مضاف الیه

مثال ۳ : من این را دوست ندارم .

این : ضمیر اشاره / مفعول - هسته ی گروه اسمی

**نکته ۲: اگر " این ، آن " به صورت جمع به کار روند ، ضمیر فواهند بود . " اینان ، آنان ، این ها ، آن ها "**

مثال ۱: یکی از آنان مرا صدا زد.

آنان : ضمیر اشاره / متمم - هسته ی گروه اسمی

مثال ۲: اینان دوستان صمیمی من هستند .

اینان : ضمیر اشاره / نهاد - هسته ی گروه اسمی

## ۲- صفت پرسشی :

واژه های " چه ، چند ، کدام ، چندمین ، کدامین " هرگاه در جایگاه وابسته های پیشین و قبل از هسته (اسم) قرار گیرند ، صفت پرسشی و در غیر این صورت ضمیر پرسشی اند و نقش های اسم را می پذیرند .

مثال ۱ :

کدام دانش آموز غایب است ؟ کدام : وابسته ی پیشین - صفت پرسشی / دانش آموز : اسم - هسته می باشد .

مثال ۲ :

چه فکری در سر داری ؟ چه : وابسته ی پیشین - صفت پرسشی / فکری : اسم - هسته

**نکته ۳: "چه" اگر در جمله ی عاطفی به کار رود ، صفت تعجبی است .**

مثال ۱: چه منظره ی زیبایی ! چه : وابسته ی پیشین - صفت تعجبی / منظره : اسم - هسته

مثال ۲: آنان چه فاصله ی طولانی را طی کرده بودند . چه : وابسته ی پیشین - صفت تعجبی / فاصله : اسم - هسته

**نکته ۴: گاهی "چه" با فعل "است" ترکیب می شود و به صورت "چیست" در یک کلمه می آید ، در این صورت "چه" ضمیر پرسشی است .**

مثال ۱: از دور سایه ای را می دیدم اما نمی دانستم که چیست ؟

چیست ← چه است . ( چه ضمیر پرسشی - هسته و مسند می باشد . )

**نکته ۵: کلمه های "چند - چندمین" اگر در جمله های خبری به عنوان وابسته ی پیشین به کار رود ، صفت مبهم است .**

مثال :

چند کتاب خواندم . چند : وابسته ی پیشین - صفت مبهم / کتاب هسته

توجه : گاهی " صفت مبهم چند " بعد از اسم قرار می گیرد .

مثال : با پرورش بز و میشی چند ، عمر می گذراندم . در واقع جمله چنین معنی می دهد . با پرورش چند بز و میش عمر می گذراندم .  
چند : صفت مبهم

نکته ۶: کلمه های پرسشی " آیا ، مگر ، کی ( کجا ) چرا " نقش قیدی در جمله دارند و صفت پرسشی ممسوب نمی شوند .

مثال ۱: چرا دیر به مدرسه رسیدی ؟ چرا : قید پرسشی

مثال ۲: به کجا چنین شتابان گون از نسیم پرسید ... کجا : قید پرسشی

۳- صفت تعجبی :

کلمه های " چه " و " عجب " قبل از هسته ی گروه اسمی و به عنوان وابسته ی پیشین ، صفت تعجبی اند و در جمله های عاطفی به کار می روند .

مثال ۱: چه هوای مطبوعی ! چه : وابسته ی پیشین - صفت تعجبی هوا: اسم - هسته

مثال ۲: عجب سخن آموزنده ای ! عجب : وابسته ی پیشین - صفت تعجبی سخن : اسم - هسته

نکته ۷: صفت تعجبی همیشه با " ی " نکره به کار می رود و تنها در صورت جمع بستن هسته ، می توان نشانه " ی " نکره را حذف کرد . مانند : چه دروغ ها / چه مرف ها

نکته ۸ : هرگاه " چه " جمع بسته شود ، ضمیر تعجبی خواهد شد .  
مانند : او چه ها که ندید

۴- صفت شمارشی :

بر دو نوع است :

الف - ( اعداد اصلی ) ( صفت شمارشی اصلی ) : تمام اعداد اصلی از یک تا بی نهایت ، هرگاه به عنوان وابسته ی پیشین به کار رود ، صفت شمارشی اصلی هستند .

یک ، دو ، سه ، چهار ، ... پانصد ، هزار ، میلیون ، ...

مثال : پانصد هزار تومان حقوق — پانصد هزار تومان : صفت شمارشی - وابسته ی پیشین / حقوق : هسته

**نکته ۹ : هرگاه عدد اصلی بدون اسم به کار رود ، فوَد اسم است و هسته ی گروه اسمی فوَاهِد بود .**

سه از چهار کمتر است . سه : نهاد - هسته ی گروه اسمی / چهار : متمم - هسته ی گروه اسمی

ب- صفت شمارشی ترتیبی ( عدد اصلی + پسوند - مین ) نوع (۱) :

این صفت ، مقدار یا شماره ی چیزی را نشان نمی دهد ، بلکه بیانگر " ترتیب " و نوبت است .

این گونه کلمات در صورتی که وابسته ی پیشین اسم باشند ، صفت شمارشی ترتیبی هستند .

اعداد اصلی + پسوند - مین ← صفت شمارشی ترتیبی

یکمین ، دومین ، بیست و دومین ، صدمین ...

مثال ۱ : پانزدهمین نمایشگاه بین المللی / پانزدهمین : وابسته ی پیشین ( صفت شمارشی ترتیبی )

مثال ۲ : دومین شاگرد کلاس / دومین : وابسته ی پیشین ( صفت شمارشی ترتیبی )

**نکته ۱۰ : " اولین " ، " نخستین " ( به جای یکمین ) و " آخرین " نیز به عنوان صفت شمارشی ترتیبی به کار می روند .**

مثال ۱ : نخستین روز مدرسه / نخستین : صفت شمارشی ترتیبی - وابسته ی پیشین

روز : هسته ی گروه اسمی

مثال ۲ : آخرین درس زبان فارسی / آخرین : صفت شمارشی ترتیبی - وابسته ی پیشین

درس : هسته ی گروه اسمی

۵- صفت عالی :

صفتی است که با فرمول " صفت بیانی + ترین " ساخته می شود و برتری یک صفت را بر تمام صفات مشابه آن بیان می کند : بزرگ ترین ، ارزان ترین ، بلندترین و...

مثال ۱ : زرنگ ترین دانش آموز کلاس / زرنگ ترین : وابسته ی پیشین صفت عالی / دانش آموز : هسته ی گروه اسمی

مثال ۲ : سودمندترین کتاب / سودمندترین : وابسته ی پیشین صفت عالی / کتاب هسته ی گروه اسمی

## ۶- صفت مبهم :

کلمه های " هر ، هیچ ، همه ، چند ، چندمین ، فلان " هرگاه پیش از هسته بیایند ، صفت مبهم اند .

هر کتابی ← " هر " صفت مبهم - " کتابی " هسته ی گروه اسمی

همه ی مردم ← " همه ی " صفت مبهم - " مردم " هسته ی گروه اسمی

فلان شخص ← " فلان " صفت مبهم - " شخص " هسته ی گروه اسمی

**نکته ۱۱: کلمه های " چند ، چند مین ، چندم " پرسشی هم هستند ؛ بنابراین در صورت بیان پرسش صفت یا ضمیر پرسشی اند .**

مثال ۱: چند روز فرصت داری که این کار را انجام دهی . چند : صفت مبهم - روز : اسم و هسته است .

مثال ۲: در آن روز ها چند ساله بودی ؟ چند : صفت پرسشی - ساله : اسم و هسته است .

مثال ۳: این را چند خریدی ؟ چند : ضمیر پرسشی است چون بعد از " چند " اسم نیامده است .

مثال ۴: این دانش آموز ، چندم بود ؟ چندم : ضمیر پرسشی است

**نکته ۱۲: اگر کلمه ی " هر " با کلمه های دیگر ترکیب شود ، ترکیب آن ها ، ضمیر مبهم ( اسم مبهم ) فواید بود :**  
**هر کدام ، هر یک ، هر یکی ، هیچ کدام و هیچ یک .**

مثال ۱: هر یک از شاعران در آسمان ادب پارسی می درخشند . هر یک : ضمیر مبهم ( نهاد )

مثال ۲: هر کدام را می خواهی ، انتخاب کن . هر کدام : ضمیر مبهم ( مفعول )

**نکته ۱۳: در صورتی که کلمه های مبهم بدون اسم و به تنهایی به کار بروند ، ضمیر مبهم هستند.**

مثال : همه آمدند . همه ( ضمیر مبهم ) فلان را دیدم . فلان ( ضمیر مبهم )

توجه :

کلمه های " دیگر ، دگر ، چندم " از میان کلمات مبهم بعد از هسته ی گروه می آیند و استثنا هستند .

مثال ۱: سخن دیگری به میان نیامد . ( سخن : هسته ی گروه اسمی - دیگری : صفت مبهم )

مثال ۲: مرحله ی چندم این کار است . ( چندم : صفت مبهم )

### وابسته های پسین :

کلمه هایی که بعد از هسته ی گروه اسمی در گروه قرار می گیرند ، وابسته ی پسین نامیده می شوند که عبارت اند از :

۱- صفت شمارشی - ترتیبی نوع (ن): عدد اصلی + م\_ : یکم ، دوم ، سوم ...

مثال ۱: سال سوم                      سال : هسته - سوم: وابسته ی پسین ( صفت شمارشی )

مثال ۲: ردیف پنجم                      ردیف : هسته - پنجم: وابسته ی پسین ( صفت شمارشی )

۲- مضاف الیه :

هر اسم یا ضمیر و یا صفت جانشین اسم که بعد از نقش نمای اضافه ( = کسره ) بیاید ، مضاف الیه است .

مثال ۱: کلاسِ درس : کلاس : هسته - درس : وابسته ی پسین / مضاف الیه (اسم )

مثال ۲: سخنِ نویسنده : سخن : هسته - نویسنده : وابسته ی پسین / مضاف الیه (صفت جانشین اسم )

مثال ۳: معلمِ من : معلم : هسته - من : وابسته ی پسین ( ضمیر )

۳- صفت بیانی :

صفت بیانی نیز مانند مضاف الیه پس از نقش نمای کسره می آید .

برای شناخت و تشخیص صفت بیانی و مضاف الیه می توان از یکی از راه های زیر استفاده کرد :

الف - در صورتی که بتوانیم " ی " نکره را به جزء اول ترکیب بدهیم ، جزء بعد از نقش نما صفت بیانی است در غیر این صورت مضاف الیه می باشد .

مثال ۱: گل خوشبو : گلی خوشبو                      خوشبو : صفت ←

مثال ۲: برگ گل : برگی گل                      گل : مضاف الیه

ب- اگر جزء دوم ترکیب " تر ، ترین " بپذیرد صفت و در غیر این صورت مضاف الیه است .

مثال ۱: هوای آلوده                      هوای آلوده تر : آلوده : صفت ←

مثال ۲: جلد کتاب

جلد کتاب تر: کتاب: مضاف الیه

انواع صفت بیانی به شرح زیر است:

- (۱) صفت فاعلی  
(۲) صفت لیاقت  
(۳) صفت نسبی  
(۴) صفت مفعولی  
(۵) صفت ساده

(۱) صفت فاعلی جزء مباحث یادگیری امسال شما عزیزان نمی باشد و چیزی حدود هشت شکل ساخت دارد در این جا فقط به دو نوع ساخت آن اشاره می کنیم .

الف) بن مضارع + نده = گوینده - خواننده - آفریننده

مثال ۱: مرد خواننده وارد سالن شد . ( مرد خواننده ترکیب وصفی - خواننده صفت بیانی از نوع صفت فاعلی )

ب) بن مضارع + ا = بینا - گویا - شنوا

مثال ۲: خداوند به ما دو گوش شنوا و دو چشم بینا عطا کرده است .

(گوش شنوا - چشم بینا دو ترکیب وصفی هستند بینا و شنوا صفت بیانی و از نوع فاعلی می باشند . )

(۲) صفت لیاقت = مصدر + ی : خواندنی ، دیدنی و...

مثال : این مجله مطالب خواندنی بسیاری دارد . ( معنی خواندنی : یعنی قابل خواندن )

(۳) صفت نسبی : پسوندهای صفت نسبی عبارت اند از :

الف ) انی : ظلمانی ، روحانی ، جسمانی و...

ب) چی : درشکه چی ، آبدار چی ، تلفنچی

ج) گان : مهرگان ، صدگان ، گروگان

د) گانه : دوگانه ، چندگانه ، جداگانه

ه) ه : بیراهه ، شش ماهه ، یک طرفه

و) ی : تهرانی ، جنگی ، ارسالی

ی) انه : کودکانه ، عصرانه ، شبانه

ک) ان : اشکان ، جانان

ل) ین : زرین ، بلورین ، سفالین

م) ینه : سیمینه ، دیرینه

(۴) صفت مفعولی :

بن ماضی + ه / خوانده ، نوشته



۵) صفت ساده : خوب ، بد ، عاقل ، روشن ، تاریک ، بلند ...

بدل چیست :

اسم یا گروه اسمی است که با درنگ بعد از اسمی که هسته ی آن است می آید تا معنای آن را روشن کند و توضیحی به آن بیفزاید .  
بدل با هسته ی خود دارای یک نقش است .

بنابراین ؛ بدل نسبت به اسم قبل از خود ( هسته ) دارای مشخصات زیر است :

الف ) اسم اول ( هسته ) بدون نقش نمای اضافه است .

ب) بدل غالبا نام دیگر ، عنوان ، شغل ، مقام ، لقب ، شهرت ، یا یکی از ویژگی های هسته را بیان می کند .

مثال ۱ :

برادرم ، آقا میرزا رضا ، نزد میرزای کلهر مشق کرده ، خیلی خوب می نوشت .

برادرم (اسم و هسته است ) آقا میرزا رضا ( بدل )

مثال ۲ :

شیخ رئیس ، ابوعلی سینا ، شعر هم می سرود .

شیخ رئیس ( اسم و هسته است ) ابوعلی سینا ( بدل )

توجه : راه شناسایی بدل به این صورت است که

الف ) اگر بدل را از جمله حذف کنید معنی جمله به هم نمی ریزد .

ب ) از نظر نگارشی ، غالبا در دو طرف بدل و برگول می گذارند .

نکته ۱۴: اگر جای بدل و اسم هسته (اسم ماقبل بدل ) را عوض کنیم ، اسم هسته به بدل و بدل به هسته  
تبدیل می شود

مثال : برادرم ، احمد ، از سفر بازگشت . ← احمد ، برادرم ، از سفر بازگشت .

برادرم (اسم / هسته - احمد / بدل ) ← احمد (اسم / هسته - برادرم / بدل )

خیلی خوب مطالعه کردی آفرین

